

بررسی راهکارهای کاهش طلاق در بین زوجین و ارتباط تکاملی با توجه به رویکرد جامعه شناختی معاصر

زهرا برزگر خاندوزی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد دانشگاه آزاد گرگان، مدرس کسب و کار و توانمندسازی زنان، مدیر آموزشگاه فنی و حرفه ای محتوا

چکیده

این مقاله از منظر جامعه شناختی، پدیده طلاق را مورد بررسی قرار داده است. طلاق یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی در جامعه محسوب می شود که به دلیل های مختلفی چون نداشتن شناخت، تفاوت فرهنگی، اعتیاد، نبود تفاهم، دخالت خانواده ها، مشکل های اقتصادی و... به وقوع می پیوندد و می تواند پیامدهای منفی را در اجتماع به دنبال داشته باشد. علت رشد پدیده طلاق ناشی از مسایل مختلف در جامعه است. این امکان وجود دارد که فرد از نظر روحی و روانی سالم نباشند و مشکل های فراوانی داشته باشند و به خاطر آن زن و شوهر نتوانند با یکدیگر کنار بیایند و همواره اختلاف خواهند داشت. همسان بودن زوجین، جلوگیری از ازدواج در سنین کودکی، رفع اختلافات از طریق بزرگان فامیل، نداشتن توقع بی جای اطرافیان و نیز راهکارهای اجتماعی و فرهنگی مانند برگزاری دوره های مناسب آموزش قبل از ازدواج و نهادینه کردن فرهنگ مراجعه به مرکزهای مشاوره، نفی فرهنگ جنسیت سالاری، مشاوره های حقوقی، گسترش فرهنگ ازدواج آسان و مهریه مناسب وضعیت مالی مرد و... از جمله راهکارهایی هستند که در کنترل و کاهش پدیده اجتماعی طلاق بسیار مؤثر اند.

واژه های کلیدی: کاهش طلاق، راهکارها، ارتباط تکاملی، جامعه شناختی

مقدمه:

طلاق همچون سایر معضلات اجتماعی، پدیده مهم چند بعدی است که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به عوامل اجتماعی و روانی- اجتماعی تقسیم بندی کرد بنابراین عوامل روانی- اجتماعی آن: نارضایتی، ناهماهنگی میان زوج‌ها، فشارهای عصبی و اعمال خشونت، انواع بدبینی و اختلالات روانی، عدم بلوغ عاطفی، عوامل اقتصادی: فقر، فقدان منابع مالی و امکانات، عوامل فرهنگی: سبک زندگی خانواده‌ها، قومیت‌ها، همگونی آداب و رسوم و نیز عوامل زیستی: عدم تناسب، بیماری، نازایی هستند. یکی از راهکارهای مناسب کاهش طلاق کنترل مهریه است. هیچگاه ارزش انسان و زن را با سکه نمی‌سنجند اما از آنجا که تعیین مهریه رسم و سنت اسلامیست میتوان برای زنان ایرانی کلام الله مجید و گل را بعنوان مهریه تعیین نمود همچنانکه در خارج از ایران این روش را در پیش میگیرند. تعیین سکه هایی با تعداد زیاد و گاهاً صد، دویست و پانصد و هزار و... باعث میشود تا دختران ایرانی بلحاظ مفهوم عندالمطالبه بودن مهریه از فردای عقد آنرا دستیافتنی گمان کنند. هر چند این موضوع از نظر قانونی صحیح است اما معمولاً جوانان پسر ایرانی که با کلی مشکلات اقدام به ازدواج کرده اند توانائی پرداخت مهریه سنگین را ندارند.

اما قانون راههای دیگر مثل قسط بندی مهریه را در پیش میگیرد که آخرین راه نجات از زندان برای جوانان پسر است. طلاق یک پدیده چند وجهی است؛ زیرا از یک جهت، پدیده حقوقی است و از جهت دیگر، یک پدیده روان شناختی و حتی یک پدیده اقتصادی و از زاویه دیگر پدیده ای اجتماعی. از آن جا که علل و زمینه های گوناگون و نیز بستر یک نظام اجتماعی در شکل گیری طلاق مؤثر می باشد، به عنوان یک پدیده اجتماعی *Phnomenan Social* در نظر گرفته است.

حضرت آدم علیه السلام و حوا اولین کسانی بودند که یک «خانواده هسته ای»، (*FamilyUncleaw*) را با فرزندانشان تشکیل دادند. به تدریج، این خانواده هسته ای گسترده شد و روی کره زمین پخش گردید. تاکنون هر جا انسانی زندگی می کرده به صورت جمعی بوده است، نه فردی.

ژان ژاک روسو، که اساس نظام اجتماعی را بر مبنای قرارداد، استوار می داند، از خانواده به عنوان قدیمی ترین نوع جامعه و تنها جامعه طبیعی یاد می کند. (۱- ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه منوچهرکیا) تحول خانواده، یکی از مهمترین مسائل جهان معاصر است به طوریکه از چند دهه پیش، تقریباً در همه جهان، چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای رو به رشد، با تجزیه خانواده روبرو بوده ایم. (نیازی و همکاران، ۲۹۳۱)

پارسونز با کاربرد مفهوم "فردگرایی نهادینه شده نیز ظهور خانواده هسته ای در جامعه مدرن را توضیح داده است؛ به این ترتیب که با ظهور اقتصاد صنعتی، خانواده گسترده کارکرد اقتصادی خود را از دست می دهد، کار از خانه به کارخانه منتقل میشود و به دنبال آن افراد در جستجوی کار از خانواده جدا می شوند تا منافع خود را شخصاً در محیطی با شرایط متفاوت، نظیر کارخانه دنبال کنند. علاوه بر ضرورت استقلال افراد از اعضای خانواده در جامعه صنعتی، پارسونز با تأکید بر نابرابریهای ایجاد شده در بین اعضای خانواده به لحاظ تخصص، مسئولیت و قدرت استدلال میکند که این نابرابریها زمینه دگرگونی خانواده گسترده را فراهم کرده و موجب شکل گیری خانواده هسته ای شده است. (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴)

جدایی زمان و مکان که بسیاری از پدیده های محلی را به وقایعی جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه برداری شده (نشانه های نمادین و نظامهای کارشناسی)، بازتابندگی نهادین یا حساسیت فوق العاده سازمان های جامعه مدرن برای پذیرش تغییراتی که براساس مشاهدات به سرعت در خانواده منعکس می شود (گیدنز، ۱۳۹۲).

به نظر دورکیم هر جامعه ای بر اساس مجموعه ای از ارزش ها ی مشترک و هنجارهای مسلط سازماندهی شده است. رفتارهایی که از چارچوب این ارزش ها و هنجارها منحرف شوند به عنوان رفتار انحرافی و آسیبی شناخته شده و نیاز به یک نظام کنترل اجتماعی است که رفتارهای انحرافی را به رفتار عادی برگرداند بنابراین، رفتار انحرافی یک عمل بدکار کردی است. او ادعا می دارد که رفتار انحرافی همچنین می تواند کارکرد مناسب برای جامعه داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۴۰)

میزان طلاق روندی افزایشی به خود گرفت. پدیدهی افزایش میزان طلاق، صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان یک ارزش اجتماعی - فرهنگی جدید، به سایر جوامع نیز راه یافته است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۶).
علیرغم این پیامدها، امروزه طلاق یک مسئله جهانی است. ریچارد اور دی، نویسنده کتاب «زمینه اجتماعی ازدواج»، چنین می نویسد: با کاربرد شیوههای گوناگون در شناخت روابط خانوادگی ملاحظه می شود که در حال حاضر حدود تا ۲۵ تا ۲۰ درصد ازدواجهایی که برای اولین بار منعقد میشود به طلاق، ترک یا انحلال خانواده منتهی میشوند (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ ۱۸). (۱۹)

زن و مرد به دلایل مختلف از جمله: شناخت ناکافی از یکدیگر، انتظارات و توقعات غیرواقعی از ازدواج و همسر، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، مسائل و مشکلات بسیاری را در زندگی زناشویی و روابط نزدیک با یکدیگر تجربه می کنند (نوابی نژاد، ۱۳۸۰).

برخی از مشکلات زناشویی اثر قاطعی در بروز مشکلات زناشویی و طلاق دارد که از آن جمله خیانت جنسی است. روابط جنسی خارج از ازدواج، یکی از مهم ترین مشکلات مطرح شده از سوی زوجین مراجعه کننده برای درمان، ذکر شده است (ویسمن، دیکسون و جانسون، ۱۹۹۷)

متغیرهای زمینه ای که رفتارهای غیرکلامی متناقض می باشد درک مشکلات توسط زوجین اثر می گذارند، شامل مسائل است که مربوط به چرخه زندگی، سلامتی، مشکلات مربوط به فرزندان، تقسیم کار و نقش ها، شغل و حرفه، درآمد و ازدواج مجدد می باشد (میلر یورگاسن، سندبرگ، وایت، ۲۰۰۳)

افراد بیکار میزان کمتری از تفاهم، ارتباط و نظم در روابط خانوادگی و به طور کلی روابط تنش زاتری با همسر خود دارند. علاوه بر این شوهران بیکار در مقایسه با خانواده های کنترل، کمتر مورد حمایت همسر خود قرار می گیرند، بیشتر جر و بحث دارند و انسجام خانوادگی کمتری دارند (ویدانوف، ۱۹۹۰).

ثابت شده است که فشار مالی اثرات مخربی بر میزان تنش دارد که به صورت افت سلامت روحی آشکار می شود. همچنین دشواریهای مالی و رخدادهای بد زندگی باعث افزایش نارضایتی زناشویی می شوند، زیرا هر دو انسجام ازدواج را تهدید می کنند و رفتارهای خصمانه و مشکل ساز را در هر دو نفر افزایش می دهند.

(وستمن، هامیلتون و وینوکر و روزیتر، ۲۰۰۴)

فشارهای درونی خانواده اصلی مانند دخالت بیش از حد والدین یا تحکم در انتخاب همسر ممکن است بر ازدواج اثر منفی بگذارد (لارسون و هلمن، ۱۹۹۴) و به یک ازدواج تحمیلی برای فرد تبدیل گردد که استرس های مضاعفی در رابطه با پذیرش نقش جدید در فرد به وجود آورد به. طور کلی دخالت یا اعمال نفوذ خانواده های اصلی می تواند یکی از زیربنای تعارضات از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد (ثنایی، ۱۳۷۹).

همسان بودن زوجین:

اگر به نقش کلیدی و زیربنایی ازدواج در ایجاد تمدن‌ها، جوامع و ملت‌ها بارو داشته باشیم بنابراین هر موضوعی که نظام و فرآیند ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد ارزش بررسی و مطالعه را خواهد داشت. ضمن اینکه «ازهم گسیختگی خانواده‌ها و افزایش روزافزون طلاق در جوامع صنعتی پیشرفته مسأله و چالش پیش روی بشر امروز است. البته بدیهی است که همانند همه پدیده‌های اجتماعی در مواجهه با طلاق ما با مجموعه علل و عوامل متعددی رو در رو هستیم که از جمله دلایل می‌توان به تفاوت‌ها و یا عدم تشابهات شخصیتی، اجتماعی، فردی، سیاسی، مذهبی و گرایش‌های ناهمسان زوجین اشاره داشت و در مقابل، تشابه زوجین از لحاظ اعتقادات مذهبی، جهان بینی، باورها و نگرش‌ها، تطبیق پذیری و انعطاف زن و شوهر و همسانی نسبی سطح سواد و آموزش از موانع طلاق و زمینه‌های دوام زندگی مشترک است». (نقل به مضمون، محسنی، ۱۳۹۱: ۳۵۱-۳۵۰)

جلوگیری از ازدواج سنین کودکی:

از دیدگاه جامعه شناختی آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و بهنگام و محیط آرام بخش خانواده است. سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱)

حل مشکلات درون خانه:

گاهی تا دل مان می‌گیرد، دنبال بهانه کوچکی می‌گردیم تا با اطرافیان مان درددل کنیم و با حرف زدن، کمی از بار روانی مشکلات مان را کم کنیم؛ اما همین درددل‌های ساده و خودمانی یا گله و شکایاتی که در میان حرف‌های مان، بدون هیچ غرض خاصی بیان می‌کنیم، موجب به هم خوردن آرامش و ایجاد دلخوری‌ها و ناراحتی‌هایی می‌شود که اصلاً فکرش را نکرده بودیم. بسیار دیده و شنیده‌ایم که به علت همین درددل‌ها، چه زندگی‌های مشترکی تا مرز طلاق پیش رفته و چه اختلافات عمیق خانوادگی و فامیلی پیش آمده که کدورت و کینه‌های چندساله، گاه حتی آنان را به خون هم تشنه کرده است. با گفتن همین چند عبارت: «بین خودمان بماند»، «شما که غریبه نیستید»، «از خدا پنهان نیست، از بنده‌اش چه پنهان» و... احساس می‌کنیم اجازه داریم درباره هر کس و هر چیزی که می‌خواهیم و صحبتش پیش می‌آید، حرف بزنیم. در همین راستا، گاهی ممکن است رازهایی از دیگران را فاش کنیم که باعث مشکلات فراوانی می‌شود و تبعات آن هرگز قابل بخشش نیست و نمی‌توان نتیجه افشای راز دیگری را جبران کرد؛ برای مثال هیچ یک از زوجین نباید شکایت همسرش را نزد خانواده ببرد؛ چه بسا محبت افراتی اما از سر دلسوزی خانواده‌ها، ممکن است مشکلات جدیدی را به وجود آورد. وقتی حرفی از داستان زندگی، بیرون از خانه تسری پیدا کند، مصداق همان ضرب‌المثل یک کلاغ چهل کلاغ می‌شود که باعث می‌گردد مرد به زن یا زن به مرد بدبین شده، رفتار او را حمل بر خبرچینی کند و از او سلب اعتماد نماید. بهتر است در ابتدا، سعی کنید مشکلات به وجود آمده را میان خود و همسرتان حل کنید.

رفتار تکاملی و سازنده زوجین:

در دهه ۱۹۸۰، انقلابی در حوزه روانشناسی تکاملی به وجود آمد. این انقلاب، با انتشار پژوهش دیوید باس در مورد علوم رفتاری و مغز، ظهور پیدا کرد. دیوید باس، پژوهش‌های قبلی در مورد اینکه زنان و مردان، چه ویژگی‌هایی را برای انتخاب شریک خود،

ترجیح می‌دهند را، بر روی تعداد بسیار بیشتری از افراد در سراسر دنیا، تکرار کرد. اینکه نظریه دیوید باس در مورد معیارهای انتخاب جفت، به عنوان انقلاب در نظر گرفته شده است؛ به این دلیل است که او، ده هزار نفر از افراد را در سراسر دنیا مورد بررسی قرار داد. بنابراین نتایج پژوهش او، براساس فرهنگ همه قاره‌ها (هر شش قاره) و کشورهای متفاوت دنیا (۳۳ کشور) بود و بنابراین تفاوت‌های فرهنگی نیز در آن، لحاظ شده بود. همین مسأله، تعمیم دادن نتایج پژوهش‌های دیوید باس در مورد معیارهای انتخاب جفت را قابل اطمینان تر کرد.

دیوید بوس (۱۹۹۸)، در زمینه جفت‌گزینی گفته است: "ما هرگز جفت خود را به تصادف انتخاب نمی‌کنیم. جفت‌گزینی ما مبتنی بر استراتژی است، و استراتژی‌های ما به طور خاص طراحی شده‌اند که مسائل ویژه‌ای را که برای جفت‌گزینی موفقیت‌آمیز لازم‌اند حل نمایند. آنهایی که در گذشته تکاملی نتوانستند به‌طور موفقیت‌آمیزی جفت‌گیری کنند بصورت اجداد ما درنیامدند. همه ما حاصل یک خط ممتد اجدادی هستیم که برای جفت‌های باب میلشان با موفقیت رقابت کردند، جفت‌هایی را جذب خود کردند که از لحاظ تولیدمثل با ارزش بودند، جفت خود را آنقدر حفظ کردند که منجر به تولید مثل شد، رقبای علاقمند را دفع کردند و مشکلاتی را که مانع تولیدمثل موفقیت‌آمیز بود حل نمودند."

بنابراین طبق دیدگاه تکاملی یک جفت جذاب ویژگی‌هایی دارد که با جذابیت جسمانی محض بی‌ارتباط است. این ویژگی‌ها ارزش‌هایی نظیر غذا دهنده، مواظبت‌کننده، مناسب برای تولیدمثل، شریک و پدر یا مادر خوب بودن و مانند اینها را شامل می‌شود. به سخن دیگر یک جفت جذاب دارای ویژگی‌هایی است که از لحاظ کمک به تامین بقای خود ما و نیز کمک به تولیدمثل و تامین بقای فرزندان (و ژن‌های ما) به ما اطمینان می‌دهد.

بوس و همکارانش بیش از ده هزار نفر را از سی و هفت فرهنگ مختلف مورد مطالعه قرار دادند تا تعیین کنند آیا ویژگی‌های "جهانی" برای معیار جذابیت وجود دارد یا نه (دیوید بوس ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸، بوس و اشمیت، ۱۹۹۳ و بوس، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های یاد شده در جدول ۱ آمده است. تفاوت‌های موجود در همسرگزینی زن و مرد را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد. مردها زیبایی جسمانی را در زنان با ارزش می‌دانند ولی زنان درآمد خوب را در مردان می‌ستایند.

جدول ویژگی‌های ارزشمند در جفت‌ها (خلاصه شده از باس، ۱۹۹۸)

1	ویژگی‌هایی که از نظر مردان با ارزش است.	زیبایی، جوانی
2	ویژگی‌هایی که از نظر زنان با ارزش است.	درآمد خوب، کوشائی
3	ویژگی‌هایی که از نظر زنان و مردان با ارزش است.	محبت و تفاهم، هوش

سواد اجتماعی، ارتباطی روابط:

ارتباطات یک مهارت اساسی در زندگی است. روشی است که ما می‌آموزیم، دوست می‌شویم و نتایج موفقیت‌آمیز در زندگی بدست می‌آوریم. برقراری ارتباط (Communication) عبارت است از، بیان افکار و ایده‌ها به‌طور مؤثر با استفاده از مهارت‌های ارتباطات مکتوب و شفاهی در شکل‌ها و زمینه‌های متفاوت.

افراد با توانایی ارتباطی ضعیف دارای دشواری در توضیح افکار خود هستند و یا نمی‌توانند شیوه صحبت کردن را متناسب با اوضاع تغییر دهند. این مشکلات زبان گفتاری نیز بر توانایی زبان نوشتاری آنها تأثیر خواهد گذاشت.

نفی فرهنگ جنسیت سالاری:

امروزه بسیاری از نظریه پردازان مسائل زنان اعتقاد دارند میان «جنس» و «جنسیت»، تمایز آشکار وجود دارد و نمی‌توان عوارض و تبعات جنسیت را صرفاً به جنس نسبت داد؛ هرچند شرایط و ویژگی‌های فیزیولوژیکی و زیستی ویژه‌ای در مورد یک جنس خاص موجب شده است که ضوابط و معیارهای اجتماعی و عرفی جنسیتی ویژه‌ای برای او در نظر گرفته شود. «جنس»، تنها مفهومی زیست‌شناختی دارد؛ به این معنا که معلوم می‌کند شخص انسان از نظر پیکرشناسی و اسلوب‌های فیزیکی، مرد است یا زن؛ اما «جنسیت»، مجموعه‌ای از صفات، رفتارها و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خاص است که به زن یا مرد نسبت داده می‌شود و اسناد این حالات ساخته و پرداخته جامعه است. به هر حال، وجود تمایزهای جنسی موجب شد که در جوامع بدوی، و به تبع آن، جوامع بعدی، قواعد و مقررات اجتماعی به گونه‌ای باشد که با لحاظ کردن ویژگی‌ها و شرایط اعتباری و قرار دادی خاص، دو گروه همگون انسانی از هم مجزا شوند و عضویت در گروه مردان یا گروه زنان معنایی متفاوت از هم داشته باشد و این گونه بود که جبهه‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی انسانی این دو گروه در مقابل هم آغاز شد.

مراجعه به مرکز های مشاوره:

از دیدگاه مشاوره با تأکید بر نظریه انتخاب، انسانها به دو شیوه از یکدیگر جدا میشوند و فاصله میگیرند: مقاومت یا کنارگیری. به بیانی دیگر جنگ یا گریز که سرآغاز پایان یافتن هر نوع رابطهای است. یکی از مداخلاتی که در این رویکرد بر آن تأکید میشود این است که از زوجین خواسته می‌شود که قبل از آنکه حرفی به زبان بیاورند یا دست به کاری بزنند از خود بپرسند که "اگر الان این حرف را بزنم یا این کار را انجام بدهم به هم نزدیکتر میشویم یا دورتر؟" با طرح این پرسش برای خود، زوجین برای کنترل کردن دیگری به سرزنش، انتقاد، شکایت و تحقیر متوسل نمیشوند (گالسر، ۱۹۹۹، ۱۳۹۲). از طرفی در این روش وقتی مشکلات زوجین مشخص شد، به زن و شوهر آموزش داده می‌شود که وارد دایره حل اختلاف شوند و در مورد چیزهایی که حاضرند به دیگری بدهند و نه چیزهایی که از دیگری بگیرند، گفتگو کنند این روش میتواند جلوی دور شدن از یکدیگر را که در زندگی آنها جریان داشته بگیرند. دایره حل اختلاف صرفنظر از اینکه زن و شوهر چقدر نسبت به یکدیگر کینه دارند، میتواند همچنان مؤثر باشد (گالسر، ۱۹۹۹، ۱۳۹۲).

چند تکنیک فوق العاده:

همسر شما خدا نیست. هیچگاه از همسران توقع کامل بودن نداشته باشید. اگر این دیدگاه را در دستگاه ذهن تان نصب کنید بسیاری از اختلافات زناشویی تان خود به خود حل می‌شود شما مری همسران نیستید. به یاد داشته باشید تمامی کسانی که می‌خواهند همسرشان را تربیت کنند طلاق می‌گیرند. سعی کنید همسران را همانگونه که هست دوست داشته باشید هیچکس با دیگری قابل مقایسه نیست. بیهوده حسرت زندگی دیگران را نخورید. بسیاری از زندگی‌های زناشویی که شما حسرت‌شان را می‌خورید نقص‌های بزرگ تری دارند. این یک تفکر برای جلوگیری از طلاق است در حضور جمع از همسران تعریف کنید. وقتی در حضور دیگران از همسران تعریف کردید متوجه بالا رفتن میزان صمیمیت در رابطه می‌شوید کاش همیشه فرصتی دوباره بدهیم کاش در مقابل عزیزترین‌های مان تا این حد سخت گیر نباشیم کاش لگدمال نکنیم همه آن احساس‌های خوبی را که برای هم ساختیم انگار گاهی فراموش می‌کنیم که یک زمانی جان مان را برای هم می‌دادیم برای

جلوگیری از طلاق و حفظ زندگی مشترکان باید تلاش سازنده انجام دهید زندگی مشترک چیزی نیست که بتوان به راحتی آن را نابود کرد.

یافته ها:

طبق بررسی و مطالعه مقالات مختلف و منابع معتبر، سازمان ثبت احوال کشور اخیراً آمار ازدواج و طلاق را در چهار ماهه نخست امسال در سایت خود منتشر کرده که حاوی اطلاعات جالبی است. این آمار نشان می‌دهد در این مدت تعداد ۱۹۹ هزار و ۷۲۴ ازدواج و در مقابل ۶۵ هزار و ۳۵۴ طلاق روی داده است. بر این اساس می‌توان گفت نسبت طلاق به ازدواج حدوداً یک سوم است. یعنی از هر سه ازدواج یک مورد به طلاق منتهی شده است، به عبارت دیگر در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج حدود ۳۲ مورد طلاق اتفاق افتاده است. این آمار به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد استان‌های مازندران به ترتیب ۴۸ درصد، تهران ۴۱ درصد، گیلان نزدیک ۴۰ درصد و خراسان رضوی ۴۰ درصد بیشترین نسبت طلاق به ازدواج داشته‌اند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان با ۱۲ درصد چهارم محال و بختیاری ۱۹ درصد و کهگیلویه و بویراحمد ۲۶ درصد کمترین نسبت طلاق به ازدواج را به خود اختصاص داده‌اند. استان بوشهر هم با ۲۹ درصد کمتر از متوسط کل کشور بوده است.

بیان مسئله:

با توجه به روند افزایشی طلاق در جامعه امروزی این تحقیق و پژوهش صورت گرفت تا راهکارهای کاهش طلاق مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. در تاریخ تکاملی انسان، گرچه گفته شده که زنان و مردان، راهبردهای متفاوتی را به کار می‌گیرند؛ اما هم زنان و هم مردان، در شرایط خاصی، راهبردهای جفت‌یابی کوتاه مدت و بلندمدت را متناسب با شرایط و در جاهایی که مزایای آن برای تولیدمثل، بیشتر از معایب آن بوده، دنبال کرده‌اند.

نتیجه گیری:

مقصود از انجام این پروژه راهکارهایی برای کاهش طلاق در جامعه، فراگیری رفتار تکاملی و سازنده، با توجه به رویکرد جامعه‌شناسی صورت گرفت. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «به سکونت رسیدن اعضاست»، لازم است که همه‌ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم یک خانواده، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

منابع:

۱. محسنی، منوچهر (۱۳۹۱). مقدمات جامعه‌شناسی. چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر دوارن.
۲. گالسر، و. (۱۹۹۹). نظریه انتخاب. ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات سایه سخن
۳. نیازی، محسن؛ عسگری کویری، اسما؛ الماسی بیدگلی، احسان؛ نوروزی، میالد؛ نورانی، الناز (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره (۱۳۸۶-۱۳۹۶) مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، سال ۱۵ شماره
۴. ملکی، امیر؛ ربیعی، علی، شگر بیگی، عالییه؛ بالخانی، قادر (۱۳۹۴) بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده‌های ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، شماره ۶۹
۵. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۹۲ چاپ ۲۸
۶. احمدی، ح. ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی و انحرافات، انتشارات سمت.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) طلاق: پژوهشی، شناخت واقعیت و عوامل آن؛ چاپ دوم تهران. انتشارات دانشگاه تهران ثنایی، ب (۱۳۷۹). نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان. تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، ۴۱. ۴۶-، ۲
۸. نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
9. Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspective of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11, 361-366.
10. Miller, R. B., Yorgason, J. B., Sandberg, J. G., & White, M. B. (2003). Problems that couples bring to therapy: A view across the family life cycle. *The American Journal of Family Therapy*, 31, 395- 407.
11. Voydanoff, P. (1990). Economic distress and family relations: A review of the eighties. *Journal of marriage and Family*, 52, 1099- 1115.
12. Westman, M., Hamilton, V. L., Winokur, A. D., & Roziner, I. (2004). Cross over of marital dissatisfaction during military downsizing among Russian army officers and their spouses. *Journal of Applied Psychology*, 89, 769- 779.
13. Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of marital quality and stability. *Journal of Family Relations*, 43, 228- 237.